

جلسه ۲۱۰ (ی) ۹۰/۲/۴

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث در مسئله ی هشتم از مسائل طرق ثبوت هلال. عرض کردم در جایی که کسی که اسیر باشد یا محبوس باشد که بدست آوردن ماه رمضان برایش ممکن نیست روایتی داشتیم که دیروز خواندیم در باب هفتم از باب احکام شهر رمضان روایت اول این باب سندش هم صحیح بود عن ابی عبدالله (علیه السلام) این شخص بایستی به ظنش عمل کند اگر می تواند حالا عن علمه نمی تواند بفهمد که ماه رمضان کدام ماه است دوازده ماه در زندان یا اسیر است در یک نقطه ای است که برایش بدست آوردن ماه رمضان ممکن نیست خب اگر می تواند ظناً با علائمی، آثاری ماه رمضان را بفهمد به ظنش عمل کند روایتی در این مطلب داشت خبر اول از باب هفتم از ابواب احکام شهر رمضان صفحه ۲۰۰ از جلد هفت و مسائل بیست جلدی. باید توجه کنیم که اتصال مراتبی دارد این شخص که مامور است به این که روزه ی ماه رمضان را امتثال کند خب؟؟؟ اما فرض است که این علم ندارد امتثال چهار مرتبه دارد. اول مرتبه ی علمی تفصیلی اگر کسی قدرت دارد که عن علمه تفصیلی امتثال کند باید همان را انجام بدهد مثلاً کسی دو تا لباس دارد و یکی از آن ها نجس است نمی تواند که؟؟ نکند دو تا نماز بخواند نه باید یک نماز بخواند با لباس پاک بنابراین در صورت

امکان مرتبه ی امتثال، امتثال علمی تفصیلی است کسی می تواند قبله را بفهمد اما بلند شود چهار تا نماز بخواند به چهار طرف خلاصه مرتبه ی اول امتثال علمی تفصیلی است دوم اگر ممکن نبود امتثال علمی اجمالی بله این می تواند قبله را پیدا کند به چهار طرف بخواند نمی تواند بفهمد کدام یک از لباس ها پاک است با هر دو دو تا نماز می خواند می شود امتثال علمی اجمالی. اگر این هم ممکن نشد امتثال ظنه آن وقت می شود آن ظنی که حجت باشد. (صحبت های متفرقه) خبری که دیروز خواندیم دال بود به این کسی که یک جایی است که نمی تواند بفهمد ماه رمضان چه وقت است آن وقت این یتوخی این توخی می کند اجتهاد می کند تحقیق می کند البته عن علمه نمی تواند اما الظنه توانست بفهمد که چه ماهی از ماه های دوازده گانه ماه رمضان است آن را عمل بکند. پس این مراتب را تا به حال پیش آمدیم امتثال علمه تفصیلی این ها ترتب دارند مرتب بر آن اول امتثال علمی تفصیلی، دو امتثال علمی اجمالی سه، امتثال ظنی تا اینجا ما خواندیم این مسأله را. البته خبر درباره ی اسیر بود ولی القاء خصوصیت کردند خصوصیت نمی فهمیم چه اسیر باشد چه محبوس باشد یک نفری در یک کشتی سوار بود کشتی به یک جزیره ای برد که نمی داند مثلاً این جا افتاده ماه رمضان چه وقت است شعبان چه وقت است خلاصه فرق نمی کند کسی که برایش مهم نیست به دست آوردن ماه رمضان در بین ماه های سال، خب سه مرتبه از امتثال برایش

شهرت بلکه ادعای اجماعی شده اما خب ما به یکی دلیلمان
 چیست در این موضوع از چند راه پیش آمدند یکی از این راه که
 آیت الله خوبی در؟؟ در چند صفحه بحث کرده این است که مورد
 به بحث است؟؟ دوازده ماه روزه بگیرد اگر بگوییم شخص وقتی
 که واجب است روزه ی ماه رمضان ماه رمضان هم بین دوازده ماه
 برای این شخص گم است این مثل شبهه محصوره می شود در شبهه
 محصوره بدانیم یک ظرفی نجس است بین ده تا ظرف از همه
 اجتناب بکنیم یا مثلا به یک عنوانی واجب است از هر کدام یک
 قاشقی بخوریم از ده تا را از هر کدام یک قاشقی بخورد خب این
 یک علم اجمالی دارد به این که در میان این دوازده ماه یک ماه
 رمضان است فرض کلام این است که دوازده ماه را نمی تواند روزه
 بگیرد تا این که در اطراف علم اجمالی امتثال علمی اجمالی بکند
 هر دوازده ماه را روزه بگیرد چند تا اشکال دارد یکی از اشکال
 هایش این است که عسر و حرج پیش می آید برای شخص
 مفروض این است یا ضرر پیش می آید، یا اگر دوازده ماه روزه
 بگیرد دو روز است که در آن روزه حرام است یکی روز اول شوال
 عید فطر است و یکی هم روز دهم ذی حجه است خب این هم در
 میان دوازده ماه یک چنین چیزی را ما داریم خب از این جهت
 قدرت این که دوازده ماه روزه بگیرد امتثال علمی اجمالی انجام
 بدهد ندارد پس مضطر شد به این که دوازده ماه نگیرد رفت به
 بحث اضطرار (صحبت های متفرقه) مرحوم؟؟ قائل است به این که

ممکن نشد نه عن علم تفصیلیه نه عن علم الاجماليه نه عن ظن تا
 این جا خوانده بودیم حالا ایشان دارد می گوید تخیری. در این جا
 دیگر محبوس و اسیر ضمیر بر می گردد به این دو تا آن محبوس و
 اسیر این جا یک ماه را اختیار می کنند به اختیار خودشان در میان
 دوازده ماه یک ماه را اختیار می کنند و آن ماه را روزه می گیرند
 تخیرا و مع تخیرا فی کل سنة بین الشهور اگر این که ظن هم در
 بین نبود آن اسیر و محبوس اختیار دارند اختیار بکنند در هر
 سالی بین شهور بله بین شهور یک ماهی را اختیار می کنند و فعینا
 شهر؟؟ آن یک ماهی را که اختیار کردند آن را شهر رمضان قرار
 می دهند. خب حالا چند تا مطلب دارد این خودش یک مطلب
 دارد تا برسیم به بعدش. بنابراین ایشان می خواهند بگویند کسی که
 ممکن نیست امتثال علمیه تفصیلی و اجمالی و ظنی در میان
 دوازده ماه یک ماه را اختیار می کند حرف زیاد در این است که به
 چه مناسبت گفته اند یک ماه را اختیار کند برای خودش ماه
 رمضان قرار بدهد احکام ماه رمضان را بر آن مترتب کند ببینیم که
 چند تا احتمال این جا وجود دارد این قول، قول مشهور است که
 صاحب جواهر هم در جلد ۱۷ جواهر صفحه ۳۵۸ جلد ۱۷
 جواهر از آن چایی که بنده داریم (صحبت متفرقه) اصل مسأله آن
 جاست خب این جا در این که چرا این شخص اختیار می کند به
 چه دلیلی یک ماه از دوازده ماه را دلیلش چیست البته سوال و
 جواب های مشهور این است در پاورقی هم از علامه؟؟ کرده

است دوازده ماه برایش عسر و حرج دارد خب دوازده نگیرد اما ولما یقدر لضروره یقدر لقدر ضروره دوماه سه ماه، هر چه قدر قوت دارد بگیرد چرا می‌گوییم یک ماه را اختیار بکند این است که این‌جا بحث زیاد است یکی بحث همان اضطرار الی بعض معین این‌جا خب غیر معین است. (صحبت متفرقه) از راه حرج مضطر شده به این که یک ماه دوماه یا همه اش را نگیرد حالا این می‌شود اسمش را هر چیزی بگذاریم بالاخره این شخص مضطر شده به این که بعضی از ماه را نگیرد اگر نبود باید دوازده ماه را می‌گرفت امتثال علمی اجمالی می‌کرد اما چون برای خاطر این که نمی‌تواند امتثال علم اجمالی بکند ظنی هم دلیلی نداریم؟؟ نتوانست به جایی برسد می‌رسیم به قاعده امتثال چیست؟ قاعده امتثال این است که این دوازده ماه را روزه بگیرد منتها حرج آمده مضطر شده به ترک بعضی از ماه‌ها یا ضرر آمده مضطر شده به ترک بعضی از ماه‌ها خب، حالا که مضطر شده به ترک بعضی از ماه‌ها این اضطرار است یک وقت حرف آخوند و حرف شیخ می‌گوید که اگر اضطرار قبل از علم باشد هیچ چیز تخفیف نمی‌آورد اضطرار بعد از علم باشد بله بایستی از بقیه آن قدر که یرفع؟؟ آن را بگذارد کنار بقیه را باید احتیاط کند آخوند می‌گوید نه خیر وقتی که اضطرار آمد دیگر از تنجز می‌اندازد چه این که علم قبل از اضطرار چه بعد از اضطرار. اضطرار الی بعض معین یا غیر معین خلاصه این مباحث بحث پیش می‌آید که مبنایمان چه

چه اضطرار الی بعض المعین یکی از ظرف‌های فلان یا الی غیر المعین چه این که علم اجمالی قبل از اضطرار باشد چه بعد از اضطرار باشد؟؟ این را معین کرده در کفایه خب روی آن قول این احتمال می‌دهد که اصلاً روزه گرفتن بر این واجب نباشد چون برای خاطر این که این مضطر شده است به ارتکاب بعضی؟؟ مضطر شدی بعضی ماه‌ها روزه نگیری حالا به عسر حرج ضرر امثال اینها وقتی این طور شد اصلاً به طور کلی روزه بر این واجب نیست. در هیچ‌جا؟؟ دارند و منکرش هم نیست یجوز لا یصوم اصلاً روزه نگیرد. خب این؟؟ جور در می‌آید. آقای خوبی (ره) در مسند؟؟ فرض را گذاشته بین؟؟ الا بعض المعین و الا بعض غیر المعین الا بعض معین باشد می‌گوید در بقیه باید احتیاط کرد غیر معین باشد هیچ احتیاط لازم نیست. این است که این‌جا که؟؟ تخیراً مطلق دارد می‌گوید آقای خوبی می‌گوید این‌جا نوشته فی اطلاقه اشکال بل منع مطلقاً مخیر باشد اشکال دارد روی همان که آن‌جا می‌گوید که؟؟ الا بعض معین اگر باشد علم اجمالی از کار می‌اندازد بعض غیر معین باشد از کار نمی‌اندازد؟؟ اشکال دیگر است اضطرار وقتی که آمد اضطرار؟؟ که دوازده ماه روزه نگیریم عسر حرج ولما یقدر لضروره یقدر لقدر ضروره چرا یک ماه بگیریم؟ آن اندازه که می‌توانی بگیر اشکال در این‌جا زیاد است چون تخیر یک شهر و یک ماه را خب از چه ما بگوییم یک ماه را اختیار بکند دلیل شما چیست؟ اگر اضطرار می‌گویید چون مضطر

اصل صوم یک ماه است چه وقت واجب است رمضان را گم کرده است

ماه رمضان را عاجز است فقط صوم باقی می ماند.

نه چیزی که مقید به زمان است در زمان خودش واجب است روزه

ی ماه رمضان در رمضان واجب است گم کرده روزه ی ماه

رمضان مستحب که نیست ما دو تا تکلیف که نداریم

رمضان برایش معین نیست.

آن وقت صوم هم در رمضان واجب است صوم مستحب که بر او

واجب نیست صوم مستحب که برای یک ماه واجب نیست که

صوم رمضان در میان دوازده ماه برای این شخص واجب است که

گم شده است. بر این شخص واجب است صوم رمضان نه مستحب

صوم در یک ماه. اگر مستحب صوم در یک ماه بود هر موقع

می گیرد کافی بود تخیرا اما بر این شخص واجب است صوم

رمضان بر این شخص واجب است حتی در ظرف سال دو روز

حرام است عید فطر و عید؟؟ خب ما چه بگویم در این جا

اضطراری پیش آمده آن علم اجمالی که اقتضا می کرد اشتغال یا

غیر فریقین دوازده ماه آن را از کار انداخته دوازده ماه واجب

نیست. برای این که عسر و حرج و ضرر و اینها در بین است

خیلی خب حالا که دوازده ماه واجب نیست چقدر بگیرد؟ چه

دلیل داریم برای یک ماه صحبت بر این است.

باشد آقای خوبی چون معتقد است اضطرار بعض معین آن علم

اجمالی از کار می اندازد اما غیر معین باشد نه وقتی که نشد چه

می شود ما بقدر ضرر بقدر ضرر شما چرا یک ماه می گوید بله

دوازده ماه عسر است و حرج به آن اندازه نمی تواند بگیرد این را

که ایشان گفته اطلاق است اشکال بر تخیرا که مطلقا می گوید یک

ماه این اطلاق را ما قبول نداریم

سوال: آیه قرآن می فرماید که : شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ؛

یک ماه به گردنش تکلیف است.

آن یک ماه گم شده بین دوازده ماه چنان چه یک ظرف نجس

میان ده ظرف نجس گم شده باشد از ده تایش باید استفاده بکنی

آن یک ماه چون گم شده در دوازده ماه اشتغال یقین است فراق

یقین است می خواهد چه کند دوازده ماه روزه بگیرد از طرفی

چون دوازده ماه عسر و حرج دارد آن اندازه که عسر و حرج دارد

مرتکب می شود اما چرا یک ماه باشد؟ آن اندازه ...

سوال: از تعیینش که عاجز است اصل صوم تعیینش جایز است که

آیا این کدام ماه رمضان است از معین کردنش عاجز است آن وقت

اصلش باقی است یک ماه بگیرد کافی است.

یک ماه به چه دلیل؟

اصل صوم.

اصل صوم یک ماه، ماه رمضان نمی داند ماه رمضان چه وقت

است؟

یعنی احتیاط است باید احتیاط کند.

اصول رفتیم الان قواعدی که در اصول خوانیدم این جا حاکم است
 برای این که ما در اصول خواندیم این جا؟؟ نمی خواهد چون
 فرض گرفتند یکی ظنه اش مشغول شده به روزه ی ماه رمضان آن
 هم گم شده آخر سر در می آید دوازده ماه اگر می توانست باید این
 دوازده ماه را روزه می گرفت اما فرض این است که نمی تواند
 نمی تواند عسر و حرج و ضرر و اینها در بین آمده می خواهیم
 ببینیم عسر و حرج چه قدر برداشته والا اولاً لازم بود به این که
 دوازده ما اضطراری به وجود آمده می رویم روی بحث اضطرار
 بعض معین و غیر معین اینجا غیر معین است چون بعضی از ماهها
 را می توانیم و بعضی از ماهها را نمی توانیم در دوازده ماه خب ،
 ??? قدرت دوازده ماه ندارد بله دوازده ماه چون قدرت ندارد عسر
 و حرج و از او ساقط است حالا چه قدر بتواند چرا یک ماه
 بخواند این موظف بود به دوازده ماه دوازده ماهش را عسر و
 حرج دو ماهش را سه ماهش را برداشت بقیه را چرا بردارد؟

یک ماه می گویم به چه دلیل؟ دلیل نداریم یک ماه رمضان را گم
 کرده اگر ده تا ظرف داشته باشیم یکی از آن نجس است دو تایش
 را مثلا اضطرار برد بقیه اش را باید اجتناب کند دیگر هشت تا
 این جا هم همین طور است این جا هم دوازده ماه را یک ماهش را
 دو ماهش را اضطرار برداشت بقیه را باید ولما یقدر لضروره یقدر
 لقدر ضرورة تعیین این که یک ماه بحث در این است که به چه
 دلیل؟ خب آن وقت در جواهر است که ما راه هایی داریم یک راه

احتیاط؟ چه احتیاطی ولما یقدر لضروره یقدر لقدر ضرورة؟؟
 احتیاط اقتضا می کند به اندازه ی توانش باید بگیرد عسر و حرج
 دوازده را از کار انداخت ولی سه ماه را قدرت دارد چهار ماه را
 قدرت دارد چه احتیاطی؟ بنابراین مشکل این است که دوازده ماه
 از تنجز افتاد چون این شخص قدرتی بر دوازده ماه ندارد اگر این
 طور نبود ما دوازده تا را می گفتیم بگیریم باز هم یک بحثی است
 که آن دو روز که روزه حرام است حرمت ذاتی دارد یا حرمتش
 تشریعی دارد اگر یک حرمت ذاتی ندارد خب این به قصد تشریع
 که نمی گیرد احتیاط دارد می کند خلاصه اشکال مطلب در این جا
 این است که این اول قاعده اش این بود مثل جاهای دیگر در
 باب های علم اجمالی؟؟ علمی اجمالی بکند دوازده ماه روزه
 بگیرد اما چون عسر و حرج و امثال اینها هست اضطرار پیدا کرده
 به این که بعضی از ماهها نگیرد خب بعضی از ماهها نگیرد به اندازه
 ی یرتفع ما ضروره بگیرد دوه ماه را که قدرت دارد سه ماه را که
 قدرت دارد چرا می گوید شما می گوید یک ماه؟ اشکال این است
 تکلیف ما صوم رمضان است نه مطلق صوم یک ماه بگوئیم خب
 یک ماه مطلق صوم یک ماه به گردن نیامده صوم رمضان به گردن
 آمده رمضان را گم کرده.

سوال: حاج آقا اگر بخواد سه ماه را هم بگیرد باز هم ماه رمضان
 پیدا نمی شود؟ بله روی قاعده ی احتیاط روی قاعده ی اشتغال
 داریم ما پیش می رویم ماه رمضان پیش نمی رود بله؟؟ روی

برای قرعه نداریم صاحب جواهر هم آمده ذکر کرده دلیلی نداریم
 بالاخره ما این جا صحبتمان در این است آن یک ماه را چه دلیل
 داریم قرعه بگوییم قرعه می توانست هر؟؟؟ اضطرار پیش آمده آن
 هم بایستی مبناهای مختلف وجود دارد یکی از مبناها این است که
 ولما یقدر لضروره یقدر لقدر ضرورة یک ماه را ما مشکل نداریم
 فقط مشهور گفتند بعضی ها اجماع کردند این جاست که نوعاً مثل
 آیت الله بروجردی، امام (ره) اینها حاشیه ندارند ما هم نداشتیم
 خلاصه بحث این است که تخیراً فی کل سنة بین الشهور می گوید
 مخیر است محبوس و اسیر یک ماه را اختیار کند مشکل است
 می گوید همان اجماع و شهرت فلعبان شهر له یک ماه را معین
 می کند برای ماه رمضان خب حالا روی این اقوال و اینها شهرت و
 اینها؟؟ این یک مطلب. مطلب دوم ورجل مراعات؟؟ شهر فی
 سنة حال اگر آمد و این ماه را یک ماه را ماه رمضان اختیار کرد
 باید یادداشت بکند بعد سال دوم هم در زندان است سال سوم هم
 در زندان است این باید بعد از یازده ماه سال بعدش دوباره همین
 ماه را یک ماه را ماه رمضان قرار بدهد باید این طور باشد فاصله
 بین آن ماه که اختیار کرد با ماه آینده سال آینده باید یازده ماه
 باشد و ورجل مراعات؟؟ شهر فی سنة؟؟ خب باید طوری قرار
 بدهد که اگر چند سال در زندان است بین ماه رضانی که امسال
 انتخاب کرد با ماه رمضان سال بعد یازده ماه فاصله باشد خب این
 هم یک مطلبی بود خب قاعداً باید همین طور باشد.

مورد قرعه است قرعه بیاندازیم لکل امر مشتبه خب این نمی داند
 کدام یک از این ماهها رمضان است دوازده ماه گفت که با قرعه
 معین کند هر کدام که ماه رمضان اسم ماه رمضان دوازده تا کاغذ
 برمی دارد در این دوازده کاغذ یکی اش می نویسد ذی الحجه یکی
 اش می نویسد ذی العقده؟؟ می گذارد روی میز بر می دارد ماه
 رمضان ماه رمضان که رسید آن اول دومی سومی آن وقت آن ماه
 می شود قرعه به نام آن ماه درآمد می شود ماه رمضان خب حالا
 این هم یک کاری. خب این جا هم در حاشیه آقای میلانی دارد
 آقای میلانی دارد؟؟ مثل قرعه یعنی بی خودی که نیست صاحب
 جواهر دارد که قرعه هم یک راهی است آن یک ماه را با قرعه
 معین بکند این طور می گوید صاحب جواهر. آقای میلانی هم در
 حاشیه عروه دارد که الاولی هو؟؟ مثل قرعه اما خوب در کفایه
 همان جلد دوم؟؟ گفته است ما به قرعه در جایی عمل می کنیم که
 اصحاب عمل کرده باشد بنا باشد به این که هر کجا قرعه باشد؟؟
 باشد خیلی کار آسان می شود دو تا ظرف یکی از آنها نجس
 است قرعه بیاندازیم این نمی کند این کار را دیگر قبله را گم کردیم
 قرعه بیاندازیم این نمی کند این کار را از این جهت گفتند فقهای ما،
 ما به قرعه این جا عمل می کنیم اصحاب عمل کرده باشند مثال هم
 می زنیم مثل یک غنمی در میان یک گله ای است که یک معتوه
 است بخواهد معتوه را پیدا کند روایت داریم در جاهای خاصی
 روایات ما فقهای ما گفته اند نه در هر اشتباهی در این جا ما دلیلی

سوال: این ماه را بلد است اما ماه رمضان گم شده است.

نه ماهها را بلد نیست یازده ماه اما نمی گوید ماه ذی الحجه است

؟؟ اسم ماهها را نمی داند نمی داند ماه ذی القعدة است ذی حجة

است یازده ماه قرار بدهد بله یعنی شهر بله این ماه را انتخاب کرد

ماه رمضان اما این را انتخاب کرده برای روزه گرفتنش حالا بعد

احکام دیگر را بعدا می گوئیم اما اسم ماهها را نمی داند نمی داند

شوال است یا ذی قعدة جمادی و اینها نه خیر نمی داند. و مراعات

؟؟ شهر فی سنة و آن یکون بینهما؟؟ شهرها خب این هم یک

مطلبی است که همین طور است؟؟ حالا اگر بعد از یک سال دو

سال این کار را کرد بعد آمد بیرون و فهمید مطلب چه بوده ولو

؟؟؟ آن ما ظن؟؟ لم یکن رمضان؛ بعد از این که از زندان آمد

بیرون معلوم شد آن چه که آن گمان کرده از روی ظن که روایت

داشتیم؟؟ حرف دوم معلوم شد رمضان نیست خب. حالا این جا

چند صورت پیدا می کند معلوم می شود که آن ماه هایی که اختیار

کرده بود و روزه گرفته بود و رمضان آن رمضان نبوده فان تبین؟؟

اگر این یک ماه روزه گرفته بعدا فهمید آن ماه که روزه گرفته آن

ماه ذی القعدة و ذی الحجه بوده بعد از ماه رمضان ماه رمضان هم

بر آن سبقت داشته و إن تبین؟؟ چرا؟ برای این که آن که گرفته

قضا حساب می شود و فان تبین؟؟ یعنی؟؟ رمضان؟؟ (نامفهوم)

برای این که اگر معلوم شود که ماه رمضان جلوتر بوده و این را که

روزه گرفتیم بعد از رمضان گرفتیم مثلا شوال گرفتیم ذی القعدة

گرفتیم ذی الحجه گرفتیم به خیال این که رمضان است بعد معلوم

شود که رمضان قبل از اینها بوده کافی است برای این که آن چه

به جا آورده قضای رمضان است چون بعدش قضا می شود. بله و

؟؟ اگر بگوئید نخیر این رجب روزه گرفته و شعبان گرفته ماه

رمضان بعدش آمده و (نامفهوم) بله این جا باید آن چه را که ماه

رمضان بوده نگرفته رجب روزه گرفته جمادی الاول روزه گرفته

باز رمضان را قضایش را باید به جا بیاورد. (نامفهوم) اگر معلوم

شد که یک وقتی است که این معلوم می شود و ماه رجب روزه

گرفته ولی بوده است در زندان تا رمضان گذشته این را باید

قضایش را به جا بیاورد یک وقت نه خیر در روزه گرفته ماه

رمضان و آزاد شد هنوز رمضان نیامده خب ماه رمضان روزه

می گیرد دیگر بله؟؟ و اگر نصف ماه رمضان باقی مانده برای این

که ذی حجه ببخشید رجب یا شعبان روزه گرفت آمد رمضان آمد

هنوز ماه رمضان نیامده خب رمضان به جا می آورد؟؟ خب این،

این طور است. حالا یک مطلب دیگر می خواهند بگویند ایشان

گفتیم که در جواهر است ویجوز لابصورة عدم اصول ظن عن لا

یسوم؛ یک مطلب دیگر که برای خاطر این که این تکلیفش این

است که ماه رمضان روزه بگیرد ماه رمضان برای این گم شده

نمی داند چه وقت ماه رمضان است دیگر چون نمی دانست روزه

نگیرد برای این خاطر نگیرد تا یقین پیدا کند بر رمضان برای

خاطر این که این ماه استصحاب کند عدم؟؟ رمضان را ماه بعد

احکامش این هم باز مربوط می‌شود به آن روایتی که خواندیم
 دیروز آیا آن خبری که خواندیم خبر مثل این که برای؟؟ بن
 عثمان بود ظاهراً آن خبری که ما دیروز خواندیم اقتضا می‌کند به
 این که این شخص روزه بگیرد یک ماه یا یک اقتضا می‌کند که در
 آن ماه تمام احکام ماه رمضان را مترتب کند از؟؟ چه می‌فهمی
 چون حضرت فرمود یترخی. این که این آدم اسیر یک ماه را
 اجتهاداً ظناً به عنوان ماه رمضان انتخاب کرد خب انتخاب کرد آیا
 تنها روزه گرفتن وجب صوم است یا نه که تمام احکام ماه رمضان
 را دارد چه چیز است؟ اگر یک روز خورد کفاره دارد عمداً بخورد
 غیر عمد باشد چه طور است مثلاً آیا اگر برایش عید قرار بدهد
 صوم یوم عید؟؟ می‌آید این جا دیگر ظاهرش این است .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی
 محمد و آله الطاهیرین

شهم استصحاب کند؟؟ استصحاب می‌کند تا یقین حاصل کند
 رمضان آمده است دیگر بله و يجوز لا بصورة عدم اصول ظن عن لا
 یصوم اصلاً روزه نگیرد حتی یتیقن کان سابقاً تا یقین پیدا کند ماه
 رمضان آمده گذشته؟؟ بله این هم يجوز است این طوری راجع به
 همان استصحاب و این چیزها. حالا مطلب همان که گفتیم قبلاً آن
 تخیراً اگر مشهور را قبول کنیم حالا یک بحث دیگر پیش می‌آید
 اگر یک شخصی آمد ماه رمضان را انتخاب کرد روی تخیراً آیا
 تمام احکام رمضان بر او مترتب است یا فقط روزه گرفتن؟ برای
 خاطر این که آن انتخاب کرد روزه هم گرفت حالا اگر خورد
 کفاره باید بدهد؟ احکامی که برای ماه رمضان است تمام آن
 احکام ماه رمضان در آن چه که انتخاب کرده مترتب است یا فقط
 روزه گرفتن بر او واجب است؟ بله. ایشان می‌گویند که؟؟ اجرای
 احکام شهر رمضان الا ما ظنه؟؟ این است که اجرا کند احکام
 ماه رمضان را کلاً علی ما ظنه من الکفاره و المتابعه و الفطرة و
 صلاته بحرمة صومه؟؟ بله.

سوال: این معنی متابعت یعنی چه؟

عرض می‌کنم. بله خب ماه رمضان ما روزه را پشت سر می‌گیریم
 این تمام احکام ماه رمضان بر او مترتب است یعنی اگر خورد
 کفاره بگیرد باید پشت سر هم بگیرد تا ماه تمام بشود؟؟ است
 دیگر این باید کفاره بدهد متابعت پشت سر هم بگیرد عید فطر
 فطره بدهد عید که رسید نماز عید بخواند حرمت صومه تمام